

زنان کارآفرین

کسب و کارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران

رکسانا بهرامی تاش

ترجمه

مهشید کریمایی

فهرست مطالب

- یادداشت دبیر مجموعه..... ۹
- پیشگفتار..... ۱۳
- گفتمان توسعه جریان اصلی و نقد آن..... ۱۸
- نقد انسان‌شناختی: بررسی مرتبه سوّم جداسازی..... ۲۵
- مرتبه چهارم جداسازی: جنسیت و توسعه..... ۲۸
- نحوه غلبه بر جداسازی: نظریه پسااستعماری فمینیستی و مطالعات فرودستان..... ۳۰
- آیا در باب فرودستان می‌توان سخن گفت؟..... ۳۴
- فصل اوّل: زنان دیگر و اقتصاد دیگر..... ۴۱**
- سرمایه اجتماعی و شبکه اجتماعی..... ۴۲
- کسب‌وکارهای کوچک، اعتبارات خُرد و اقتصاد اجتماعی..... ۵۲
- اقتصاد اجتماعی: بخش سوّم..... ۶۲
- فصل دوّم: جنسیت، کارآفرینی خُرد و اقتصاد غیررسمی..... ۷۳**
- تعاریف..... ۷۳
- نحوه «کشف» اقتصاد غیررسمی..... ۷۷
- ظهور بخش غیررسمی..... ۸۱
- نکات مثبت و منفی جنسیت، کارآفرینی خُرد و بخش غیررسمی..... ۸۷
- در این تصویر پیچیده جایگاه خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا کجاست؟..... ۹۲
- نگاهی به ترکیه..... ۹۳

زنان دیگر و اقتصاد دیگر

فصل مقدماتی با بحث در مورد اهمیت مفهوم زنان دیگر/ فرودست (زنان خانواده‌های کم‌درآمد) به پایان رسید. در این فصل، پیش از بحث در باب موضوع اصلی کتاب، به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی)^۱ می‌پردازم. هدف، ایجاد فضایی برای در نظر گرفتن نقد گفتمان‌های توسعه جریان اصلی^۲، زنان و توسعه/ زنان و بخش غیررسمی، به طرقتی غیر از به تصویر کشیدن زنان به‌مثابه قربانی است. دو پرسش محوری وجود دارد: چگونه زنان خانواده‌های کم‌درآمد می‌توانند فعالیت کنند؟ و چگونه زنان دیگر می‌توانند به واسطه اقتصاد دیگر (به‌مثابه جایگزینی برای اقتصاد رسمی مبتنی بر بازار^۳) فعالیت اقتصادی انجام دهند، از طرقتی که ممکن است در مقابل ساختار قدرت اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد به جای آنکه آنها را بازتولید و تقویت کند؟

در اینجا مایلم دلیل آوردن این فصل پیش از موضوع محوری کتاب را با خوانندگان در میان بگذارم: در این بخش، تلاشم آن است تا میان تعلیمات دانشگاهی‌ام با عقاید از پیش شکل‌گرفته‌ام و یافته‌هایم در این زمینه، گفتگویی برقرار کنم. این پروژه را ابتدا با مرور ادبیات مربوطه آغاز کردم. با اینحال، پس از اتمام کار میدانی، دریافتم که برای زمینه‌سازی محوریت کتاب، ایده‌های بیشتری لازم هستند. این فصل پس از اتمام جمع‌آوری و پردازش داده‌ها گردهم آمد.

1. social networks

2. mainstream development

3. market-led formal economy

از جهاتی، در مرحله نهایی نگارش کتاب، برای به دست دادن چارچوبی جهت بحث پیرامون کارفرمایی خُرد و بخش غیررسمی، ضمیمه کردن بحث‌های مرتبط با مفاهیمی همچون شبکه اجتماعی و سرمایه اجتماعی، تأملاتی در باب اقتصاد اجتماعی و تحلیل قرصه‌های غیررسمی و خُرد ضروری می‌نمود. به‌ویژه ثابت شد که وام‌های خُرد^۱ به دلیل عمومیت‌شان میان زنان بسیاری از نقاط ایران، بخش مهمی از یافته‌ها محسوب می‌شوند. علاوه بر این، به هنگام بررسی اقتصاد اجتماعی، که می‌توان آن را بخش سوّم نیز دانست، وام‌های خُرد مفهومی حائز اهمیت هستند. اقتصاد اجتماعی / بخش سوّم، یک فضای اقتصادی جالب توجه است، زیرا نه در دستان دولت است و نه بخش خصوصی و پتانسیل تحوّل اجتماعی را دارد (یا به‌نوعی قادر به توانمندسازی شخصی یا حداقل اقتصادی و دسترسی به منابع است) زیرا لزوماً به سودآوری خالص و رشد مبتنی بر بازار وابسته نیست.

سرمایه اجتماعی و شبکه اجتماعی

یکی از راه‌های دسترسی این زنان به منابع اقتصادی و تبدیل شدن به بخشی از اقتصاد اجتماعی، به‌واسطه شبکه‌های اجتماعی آنها ممکن می‌شود. این امر زمانی مشهود شد که این پژوهش نحوه یافتن استراتژی‌های بقای زنان چه به‌لحاظ شخصی و چه از طریق / برای جامعه را لایه‌لایه آشکار ساخت. مورد دوّم ارتباط بسیار زیادی با نقش آنها به‌مثابه بخشی از تورهای حفاظت‌اجتماعی^۲ دارد، که در این مورد در حال انجام تحقیقات بیشتری هستم.

سرمایه اجتماعی به‌مثابه یک مفهوم سیاسی در اثر رابرت پوتنام^۳ به‌عنوان روشی برای ایجاد مشارکت مدنی^۴ از طریق شبکه‌های اجتماعی بیان شده است که ارزش‌های اجتماعی را هم به‌صورت فردی و هم جمعی تقویت می‌کند (در صورت جمعی سنگ بنای دموکراسی است). آلخاندرو پورتز، سرمایه اجتماعی را «ظرفیت افراد برای مدیریت منابع کمیاب به‌واسطه عضویت در شبکه‌ها یا

1. microfinance

2. social safety nets

3. Robert Putnam, 1993

4. civic engagement

ساختارهای وسیع‌تر اجتماعی» تعریف می‌کند.^۱ مایکل وولکاک، سرمایه اجتماعی را در معنای وسیع‌تری به‌مثابه «هنجارها و شبکه‌های تسهیل‌کننده کنش جمعی برای منافع متقابل» تعریف می‌کند.^۲

بنا بر تعاریف بانک جهانی، «سرمایه اجتماعی، نهادها، روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی هستند که بر تعامل بین مردم حاکم است و به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند.»^۳ در حقیقت، سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی، کنش‌های فردی یا جمعی را تسهیل و روابط، تقابل‌ها و اعتماد را تقویت می‌کند. کنش‌های جمعی، مؤلفه‌ای واجد اهمیت برای وام‌های اعتباری خُرد^۴ است،^۵ موضوعی که برای اقتصاد دیگر/ در سایه/ غیررسمی بسیار حیاتی است و با جزئیات بیشتر در این فصل مورد بحث قرار خواهد گرفت. در جایی دیگر، بانک جهانی استدلال می‌آورد که سرمایه اجتماعی همانند چسبی عمل می‌کند که جامعه را در کنار هم نگاه می‌دارد. سرمایه اجتماعی حلقه مفقوده توسعه تلقی می‌شود، اما منتقدان معتقدند که شیوه‌ای که از آن در ادبیات توسعه استفاده می‌شود، چاره‌ای موقت برای جایگزینی دولت است و در نتیجه سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی و جهانی‌سازی را تسهیل می‌کند.^۶

اگرچه در زمینه جامعه‌شناسی اقتصادی، انگاره سرمایه اجتماعی را می‌توان در آثار دورکیم، وبر و مارکس مشاهده کرد، اما در دوره‌های اخیر در دو مکتب مختلف مطرح شده است: جریان اصلی و محافظه‌کار و جریان منتقد آن.^۷ جریان اصلی، مورد تأیید حامیان بازار آزاد و محافظه‌کارانی است که آن را مبتنی بر سنت دیرینه سازمان‌های غیرانتفاعی، مانند کلیساها، انجمن‌ها و سازمان‌های تجاری خصوصی می‌دانند، که همه اینها به‌مثابه حائلی محافظ میان دولت و افراد عمل

1. Alejandro Portes, 1998, p. 12.

2. Michael Woolcock 1998, p. 155.

3. Grootaert and van Bastelaer 2001, p. 18.

4. microcredit

5. Grootaert and van Bastelaer 2001

6. Schuurman 2003

۷. انگاره سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با بازار به دوران روشنگری و اثر دیوید هیوم برمی‌گردد که معتقد است «حس اخلاقی» یا «همدلی»... برای حمایت از اشکال جدید فعالیت اقتصادی پدیدار می‌شوند.

(وولکاک ۱۹۹۸، ص ۱۵۹)